



جشنواره فیلم فجر



جشنواره بین‌المللی فیلم فجر



جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

قاعده بازی

**اولین جشنواره فجر**

**بدون داریوش مهرجویی**

شاهین شجری کهن



در ماه‌های گذشته جامعه فرهنگی و هنری سهم مفصلی از خبرهای تلخ و ناامید کننده داشت. بسیاری از بزرگان از میان ما رفتند و چند سالن سینما تعطیل شد و برخی اتفاق‌ها افتاد که برای اهل هنر و فرهنگ خوشایند نبود. اما قطعاً هیچ خبر و رویدادی تلخ‌تر و بهت‌آورتر از ماجرای قتل وحشتناک داریوش مهرجویی و وحیده‌محمدی فر نبوده. سینماگر سرشناس که در خانه و حریم شخصی خودشان قربانی خشمی کور و خشونت‌ی غیرانسانی شدند و وطن تلخ قضیه در این است که مهرجویی در فیلم‌هایش بیش از هر کارگردان هم‌دوره خود دل‌واپس انسانیت و اخلاق و مفاهیم انسانی بود و از اجاره‌نشین‌ها تا بانو و لیلو و هممان مامان و نارنجی پوش همواره شخصتهایی از طبقات فرودست را تصویر می‌کرد که می‌کوشند در عین فقر و مشکلات زندگی هویت‌انسانی خود را حفظ کنند و تن به فروپاشی اخلاقی ندهند.

امسال در آستانه آغاز جشنواره‌ای که خاطرهٔ ۴۰ سال حضور بزرگانی چون داریوش مهرجویی هنوز در حافظه مخاطبان پرشمار دیروزش زنده است و در دوره‌ای که بیش از هر دوره دیگری فقدان نام‌های بزرگ و فیلمسازان برجسته و سرشناس توی چشم می‌زند، شاید دلایل مضاعفی برای خالی کردن جای مهرجویی وجود داشته باشد. کارگردان بزرگی که لاقلاً ۳۲دهه در برابر ترسین دوره‌های فعالیت حرفه‌ای‌اش را به سر و کله زدن با نهادهای مختلف و بیحث و جدل با تماشاگر و سینمادار و صاحب‌سرمایه و دلال و پخش‌کننده صرف کرد و شاید به همین دلیل بهترین فیلم‌هایش آنهایی نشدند که سال‌های آخر ساخت، اما نفس حضور کارگردانی چون مهرجویی برای یک جشنواره سینمایی غنیمت بزرگی است. سال‌هایی که کیمیایی، مهرجویی، بیضایی، عیاری، پوراحمدبنی‌اعتماد و سایر بزرگان سینما در جشنواره فیلم داشته‌اند، فارغ از کیفیت فیلم‌های‌شان و اینکه جای‌زای برندن یانبر دند صرفاً آمدن‌شان و مستگنی حضورشان به وزن سینمایی افزایش داده‌اند. لگرمی سینما دوست‌ان و مخاطبان جشنواره است. امسال بدون مهرجویی و پوراحمدودر غیاب دهه‌انام‌محبوب و بزرگ‌دیگر، جشنواره قطعاً فرصتی خواهد بود برای به یاد آوردن عزیزان از دست‌رفته و بزرگانی که بین‌مان نیستند و شاید تذکر یک نکته به‌خودمان که بیابا مانند‌گان و آنان که هنوز در قیدحیاتند.مهربان تر باشیم.

**گفت‌وگو با اصغر نعیمی کارگردان فیلم «دوروز دیرتر»**

# اگر سنگ از آسمان نریزد فیلم موفق‌تری ساخته‌ایم

◀ **علیرضا محمودی**

در جریان چرخه تولید سینمای ایران، کارگردانان با ۲ روش فیلم می‌سازند؛ یا صبر می‌کنند شرایط برای ساخت فیلم مهیا شود یا با هر شرایطی فیلم می‌سازند. گروه‌اول بیش از ساخت با مسئولان و بعد از ساخت فیلم با منتقدان حشرو نشر می‌کنند و گروه دوم قبل از ساخت با تهیه‌کنندگان و بعد از ساخت با بخش‌کنندگان. گروه‌اول برای پیدا کردن سرما به فیلم‌راهی محافل و مجالس و مراسم می‌شوند و گروه دوم‌راهی دفاتر و معابر و منازل. گروه‌اول سعی می‌کنند بخشی از تاریخ سینما شوند و گروه دوم در به حضور در جریان سینما. گروه‌اول در کار خود رکن سرما به برای فیلم حرفه‌ای می‌شوند و گروه دوم در به جریان انداختن فیلم. اصغر نعیمی کارگردانی است که فیلمسازی‌اش با جریان سینمای ایران همراه بوده و هر کدام از فیلم‌هایش از «بی‌وفا» تا «خط‌استوا» با نبض و نفس عرضه و تقاضای مخاطب گره خورده و «دوروز دیر تر» هم نمی‌تواند خارج از این چارچوب دیده‌شود و شاید علت اصلی حضورش در این پروژه وفاداری دائمش به این اصل باشد که فیلم با تماشاگر زنده است. اصغر نعیمی از روزهای اول جوانی در میان جریان سینمای ایران عمر گذرانده. در مطبوعات سینمایی از خیر تا نقد نوشته؛ در پشت صحنه از دستپاچی تا پزنامه‌ریزی را پشت سر گذاشته. فیلمنامه‌نویسه و بازی‌نویسی کرده و در کارگردانی تولید هر فیلمی مناسب با دوران تولید آن ساخته و روانه‌اگران کرده. او اکنون در ۵۰سالگی با فیلمی در بخش مسابقه سینمای ایران حضور دارد که محتوای فیلم برای سرما به‌گذاران مهم و برای مؤثر بودنش روی مخاطب آنبوه از پیش حساب کرده‌اند. با چنین پیش‌فرضی نتیجه کار اصغر نعیمی در دوروز دیر تر برای من که سینمای ایران را به‌عنوان مهم‌ترین جریان فرهنگی کشور دنبال می‌کنم، اهمیت دارد. اول آنکه فکر می‌کنم این فیلم قرار است آندوخته‌های کارگردانی نعیمی را در شرایط سخت فیلمسازی محک‌بزند و دوم؛ موضوع بحث‌انگیزی وارد گفت‌مان اجتماعی خرده‌فرهنگ سینما روها کند. کار اصغر نعیمی در این روزهای سینمای ایران کار بحث‌انگیزی است.

**خط‌استوا** فیلمی نبود که با پیش‌بینی ۹میلیارد فروش روانه اکران شده باشد. بدون شک اتفاقاتی در سرزنوشت اکران فیلم مؤثر بود. اکنون که به پرونده تولید و اکران آخرین فیلم‌تان نگاه می‌کنید چه تحلیلی از فروش خط استوا دارید؟

تجربه نشان داده فروش و موفقیت یک فیلم به عوامل مختلفی بستگی دارد که در سال‌های اخیر این عوامل پر تعدادتر هم شده، فیلم خط استوا ۹۸ روز به اکران شد اما همه‌گیری کرونا نمایش آن را تا پایان پاندمی به تعویق انداخت. چندبار تهیه‌کننده اکران عزم اکران داشتند اما مردد بودند که آیا زمان مناسبی است و مردم از سینما رفتن استقبال می‌کنند یا نه.از آنجا که شک و تردید زیاد گاه فرصت‌مسوز است سرانجام فیلم در زمان عجیبی اوایل اسفند اکران شد.با این پیش‌بینی و استدلال که ایام نوروز هم قرار بر اکران فیلم طنز نیست و خط استوا از فرصت اکران عید هم بهره‌می‌برد اما برخلاف پیش‌بینی، سیاست سازمان سینمایی ناگهان بر رونق دادن به اکران متمایل شد و چند فیلم کمدی از جمله فسیل چند روز مانده به عید اکران شدند و طبیعاً ستائس‌های سینماها در اختیار فیلم‌های جدیدتر قرار گرفت.البته خط استوا طنز خاصی داشت و خود من هم از فروش آن انتظار ر کوردشکنی‌های مرسوم رانداشتم. ولی شاید در فضای دیگر ومدت زمان اکران بیشتر نتیجه‌بهتری می‌داد. الان فیلم‌ها حداقل چند ماه روی پرده هستند. اما سر تا ته نمایش عمومی خط استوا حدود ۷۰ روز شد که ۵۰روز آن در رقابت با فیلم‌های تازه به‌خصوص پدیده اکران سینما یعنی فیلم فیلی، ستائس‌های چندانی نداشت. هرچند به‌نظر من، این اتفاقات طبیعی است و من از موفقیت و رونقی که سینمای ایران از آن پس پیدا کرده بسیار خرسندم. خط استوا هم بر مبنای ظرفیت‌ش،شس زمان اکران به قدر کافی دیده شد و پس از اکران سینماها در نمایش آنلاین هم فیلم موفق بود.

**تاکنون در بخش دولتی فیلم‌نسخته بودید. ۲روز دیرتر نخستین تجر به شما در**

اما باید خیلی زود پیش تولید را شروع می‌کردیم و

من ترجیح دادم نویسنده دیگری کار را بنویسد تا تمرکز کافی برای تولید داشته باشیم.از کار باحمید اکبری هم راضی هستم. او قلم شیرینی دارد و بسیار همراه و انعطاف‌پذیر است. البته در تمام مراحل نگارش فیلمنامه و پس از آن تولید و تا همین جا از مشاوره‌های دلسوزانه آقای سیدمحمد حسینی بهره بسیار بردیم و حضورشان در همه زمینه‌ها مغتنم بود.

**گفته می‌شود که محتوای فیلم درباره فرزندآوری است. درباره محتوای فیلم بگویید.**
بله این نخستین فیلمی است که من در بخش دولتی ساختم.سل گذشته موفق فیلمبرداری سریال آخرم دوست بسیار نازنینی تماس گرفتند و باب آشنایی را با آقای محسن شیرازی تهیه‌کننده فیلم گشودند. طرح اولیه فیلم را برابم فرستادند و تا کید کردند نظر سرمایه‌گذار نه تولید فیلمی در روال معمول فیلم‌های دولتی بلکه ساختن اثری شیرین و جذاب با مایه‌های خانوادگی و اجتماعی است. طرح را خواندم و دوست داشتم. در این فاصله جلسه‌ای با آقای شیرازی داشتم و متوجه شدم فردی هستند با سابقه فرهنگی و صاحب‌دغدغه برای کار خوب. خیلی زود به اشتراک نظر رسیدیم و کار را پیش بردیم. تولید سخت و دشواری بود. بیشتر صحنه‌ها خارجی و در سرمای زمستان و روزهای کوتاه‌اما با همدلی و همکاری همه عوامل سعی کردیم که بهترین خروجی برسیم. برای من تجربه کار با یک سیستم دولتی پیچیدگی یا محدودیت خاصی نداشت. داشتم فیلمی می‌ساختم که دوست داشتم محسن شیرازی پای کار بود و تمام تلاش را کرد که من و گروه در آرمش کار کنیم. مسئولان مؤسسه روایت فتح همگی به‌خصوص آقایان محمدنادر و خوشمرام با اعتماد و احترام کامل کنارمان بودند که واقعا دشمن‌گرم و اجرشان ما جور.

**انتخاب بازگسران در جریان تولید فیلم‌های ایرانی اکنون به مرحله سختی تبدیل شده. دوروز دیرتر این بخش از تولید را چگونه پشت سر گذاشت؟**

واقعا یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های فیلمسازی امروز انتخاب و چینش بازیگران است. تعدد تولیدات به‌خصوص سریال‌های شبکه نمایش خانگی محدودیت را بیشتر کرده در مورد من کار وقتی سخت‌تر می‌شود که روی تر کوب بازیگران حساسیت‌های خاصی دارم و علاوه بر توانایی و تناسب با نقش یا پامترهای دیگری از جمله شیمی سگ‌بند ساخته مهران احمدی را از او دیده بودم. درست است که من خودم فیلمنامه‌نویس هستم

در مورد تر کوب بازیگران دوروز دیرتر چند خیلی فکر کردم. چونبمختلفی را در نظر گرفتم. اما وقتی به گزینمهای مطلوب رسیدیم با همه کاندیدهای اول خودبختانه به نتیجه رسیدیم. سینماهم‌ا در پردیس احمدیه در کنار هم تر کوب جدید و جالبی شدند. سینا که کلاباز یگر شیرینی است و پردیس هم با اینکه نقش‌اش قدری از کاراکترهای قبلی که بازی کرده بود فاصله داشت. خیلی زود باهوش و درایت متخصصات نقش را دریافت و آن را به‌مهارت اجرا کرد. آقای فرهاد آئیش علاوه بر بازی شیرین با شخصیت منحصر به فرد و موضوع لذت‌آین هم‌کاری راچند برابر کرد. دیا گوهر خیراندیش بعد از نخستین فیلمم، وی‌فقه همواره دوست داشتم دوباره کار کنم و الان جوان‌سینماها را با دیدن تصویر دلنشین و ملموسی را فرهاد آئیش) و به طبع آن همسرش (پردیس احمدیه) است. از آن فیلم‌ها که لحظات شیرین و تلخ زندگی و رابطه یک زوج جوان را کنار هم قرار داد. تلاش کردیم در تصویر دلنشین و ملموسی را از یک خانواده طبقه متوسط ایرانی ارائه کنیم. طبعاً زوج جوان قصه مثل بسیاری از جوانان ایرانی که در جامعه می‌بینیم. با چالش‌هایی از جمله مسئله مهم فرزندداشتن، مهاجرت، شغل، در آمد و هزینه‌های زندگی و.. مواجه هستند و فیلم شرح تلاش آنها برای یافتن راه‌حلی در مواجهه با این مسائل است.

**تولید و پس از تولید فیلم را چگونه گذراندید. ظاهراً به یک تیم فنی ثابت تولید رسیدهاید؟**

همانطور که گفتم به دلیل تعدد لو کیشن، فیلم تولید دشواری داشت اما حضور عوامل حرفه‌ای و کار کشته‌عبور از دشواری‌ها را ممکن می‌کرد. من تیم پشت دوربین را خیلی با دقت انتخاب کردم و در نهایت گروهی از بهترین‌های سینما برای ساختن فیلم دور هم جمع شدیم. از مر ترضی هدایی با تصویر چشم‌نوازش تا رشید دانشمند صدربدار متین و حرفه‌ای، محسن غلامی طراح صحنه ستکوش و باسلیقه، تا گروهی بزرگم‌ریزی و کارگردانی بچه‌ها و تولید و تدارکات در مرحله فیلمبرداری کنار من بودند. در مرحله پس از فیلمبرداری هم همینطور شد. مدت‌ها بود می‌خواستیم با دوست دیرینه‌ام و تدوینگر خیره‌میثم مولایی کار کنم که جور نمی‌شد. این بار شرایط فراهم آمد و باتدوین‌خلاقه‌اش بسیار به‌حاصل کار کمک

کرد. در همینطور موسیقی گوشنواز و بحال مسعود سخاوت دوست و طراحی صدای ماهرانه حسین ابوالصدق. خلاصه که در کنار سختی‌های تولید از کار کردن با تک‌تک افراد این گروه که آوردن نام همه‌شان ممکن نیست لذت بردم. و از آنها ممنونم.

**به‌عنوان یک کارگردان حرفه‌ای، دوروز دیرتر در کارنامه‌تان چه جایگاهی دارد و به‌عنوان یک ژورنالیست با سابقه چه چشم‌اندازی قبل از نمایش‌ای آن در برابر مخاطبان قرار می‌دهید؟**
فیلمی است که دوستش دارم و فکرمی‌کنم اگر در شرایط مناسبی اکران شود بتواند با مخاطب گسترده، به‌خصوص جوانان و خانوادها، ارتباط برقرار کند. تلاش من ساختن فیلمی سالم و در عین حال گرم و دلنشین بوده و فکر می‌کنم موفق شده‌ام. امیدوارم مخاطب هم فیلم را



دوست داشته باشد.

**جشنواره و امکان ارتباط با مخاطبان آن کمکی به تبلیغات فیلم می‌کند؟**

راستش سلیقه شخصی من به عنوان کارگردان بیشتر از زبایی فیلم در اکران عمومی و ارتباط آن با مخاطب است و از این نظر هم خودم را فیلمسازی می‌دانم که مایلم شکل‌ها و گونه‌های مختلف سینما را تجربه کنم. البته نسبت به جشنواره و حضور در آن حساسیت خاصی هم ندارم و از موفقیت فیلم در آن خوشحال هم می‌شوم اما خیلی برایم تعیین‌کننده نیست.

**شرایط نمایش عمومی و اکران فیلم برای دوروز دیرتر را با توجه به وضعیت عمومی اکران چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟**

این روزها در حوزه اکران همه چیز به‌خود فیلم بستگی ندارد. مقوله بخش و اکران یک فیلم گاه از تولید آن دشوارتر است. ولی معتقدم دوروز دیرتر تماشاگر خود را خواهد داشت و اگر اتفاق خاصی نیفتد و سنگ از آسمان نیفتد فیلم موفق خواهد شد.

**۴دهه است که به‌عنوان روزنامه‌نگار، منتقد، فیلمنامه‌نویس، دستیار و کارگردان در سینمای ایران حضور دارید. بعد از کرونا هم فیلم ساختید و هم سریال. دوست دارم تحلیل شمارا از سینمای ایران در ۲سال اخیر و چشم‌انداز آن را بدانم.**
در باره وضعیت سینمای ایران و آینده آن باید در فرصت مناسبی مفصل صحبت کنیم. ولی همین‌قدر بگویم که چشم‌انداز آینده برای من سرشار از بیامید و توأمان است. بیام شب‌های تاریک و گرداب‌های مهیب و امید به نفس مخاطبان و مردم که بهترین‌قاضی و داور کار ما هستند.

دیکتِه و زاویه

## وقتی سینما احیایم شود

◀ **رضا صالحی**

جشنواره فیلم، چه نامش «کن» باشد چه «فجر»، چه هر نام دیگری، فارغ از تفاوت در اسم و رسم و آیین‌های اجرایی یا سیاست‌های سینمایی، خود داده و بر صدر می‌نشانند. گویی در اینجا ماهیت رسانه‌ای بودن سینما نسبت به سوه‌های هنری و صنعتی‌اش، برجسته‌تر شده و نقش‌آثربخشی خود را در جامعه به نمایش می‌گذارد. به‌عبارت دیگر هر جشنواره فیلمی، بیش از آنکه در نهایت به تقدیر و ستایش از فیلمی یسا فیلم‌های خاصی بپردازد، ستایش از خود سینما و منزلت آن است. کافی است به ادوار مختلف جشنواره فیلم فجر نگاه کنید. بیندازیم و رسانه‌های آن دوره را مرور کنیم، متوجه خواهیم شد که این برهه زمانی در تقویم سالانه، بیشترین اخبار سینمایی تولید، توزیع و مصرف می‌شود و بسامد کلمه «سینما» در رسانه‌ها بیش از هر زمان دیگر در این برهه بازتولید می‌شود. چنان‌که اخبار و رویدادهای این رخداد سینمایی در این ایام، بیش از رخدادهای سیاسی در سطح جامعه و افکار عمومی و حتی بین مردم عادی مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع جشنواره فیلم این امکان را فراهم می‌کند تا خود سینما به‌عنوان یک مدیوم و ابزار سرگرم‌کننده و مسرت‌بخش و البته تأمل‌برانگیز و اثرگذار به‌نمایش خود می‌پردازد و دست‌کم این فایده را دارد که منزلت و جایگاه خویش را در ساختار فرهنگی – اجتماعی موجود، یادآوری کند و به‌نمایش بگذارد. این خود سینماست که بر کرسی اقتدار می‌نشیند و موجودیت خود را به رخ می‌کشد. این ویژگی‌ها و مولفه‌ها نشان می‌دهد با وجود گستره عظیم نمایشی که به واسطه شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بسط یافته اما هنوز سینما، جذابیت تراژیک و نوستالژی‌یک خود را از دست نداده و همچنان از ظرفیت اثربخشی در جامعه برخوردار است. این یعنی هنوز سینما نمرده است حتی اگر بیخ



**روزنامه چهل‌ودومین**

جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

**42nd**  
FAJR INTERNATIONAL  
FILM FESTIVAL  
پنج‌شنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۵ - شماره ۱